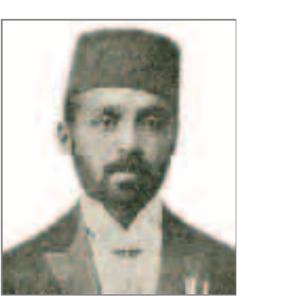


دیده ها
و شتیده ها



- میرزا ابوالقاسم خان کمال زاده** *کست بیست وهفتم*

من فورا بوسیله قاصد سوار ، خوبرا برای نخست وزیر فرستادم و به توسط یکی از روسای دربار ، این خبر مهم فوری بعرض اعلیحضرت شاه رسانده شد . بعد وسیله دستگاه (استانسبل) خبربریان آلمانی و فارسی چاپ و پخش گردید . بعد از ظهر ، بچه های روزنامه فروش با فریادهای (فوق العاده امروز – فتح بزرگ آلمان – تصرف ورشو) خبر را در پایتخت به اطلاع عموم اهالی رساندیند – لیتن درکتاب خود می نویسد:(حال معلوم شد چرا روسها دو روز قبل قوای خود را از قزوین به سمت تهران حرکت دادند ، آنان می ترسیدند خبر سقوط ورشو در تهران اغتشاش و نا امنی ایجاد کند.

ولی بسیار ناشیانه عمل کردند زیرا ایرانیان حال بکلی ، بعکس آنچه روسها نقشه کشده بودند ، انتشار داده و می گفتند:بر اثر سقوط ورشو وشکست قوای روس در ایران نظامیان روس بمواقع اولیه خود عقب نشستند .

در عمارت شهری سفارت ، افسر گارد محافظ

سفارت آلمان، نظامیان را بصف کرد در حالیکه تفنگها را

بااحترام بلند کرده بودند ، بیرق آلمان را بالای سر در

افراختند وهورا کشیدند همچین در سفارت شمیران بیرق

رابالا بردند .

بدین ترتیب باز ثابت شد که سرنوشته بشر را نمی توان پایدار واستوار دانست ، دیروز بیرق آمریکا را آماده کرده بودند تا درصورت بروز خطر بر سر در بالا برند وامروز بیرق سیاه وسفید وقرمز آلمان رابالا کشیدند وبا پیش فنگ سلام دادند وسقوط سومین شهر بزرگ روسیه را جشن گرفتند.

به عقیده نگارنده ؛ با ملاحظه نوشته آقای لیتن ، معلوم می شود دولت ایران از وقایع وجرایانات جنگ جز آنچه متفقین (روس وانگلیس وفرانسه) می خواستند وانتشار میدادند به هیچ وجه اطلاع نداشت ونمی خواستند دولت ایران با آلمان مستقما ارتباط پستی یا تلگرافی داشته باشد در صفات آینده ملاحظه خواهیدفرمود که قنصل آلمان در کرمانشاهان ،با چه فداکاری زائد الوصف نگذاشت ارتباط او با طهران قطع شود .

سال هشتم
شماره ۷۷۲
سه شنبه ۱۸ فروردین ماه
۱۳۸۸
برابر با ۱۱ربیع الثانی
۱۴۳۰

تشنه ام، تشنه

عشقی دردناک در رگ کویر تحمل من
پرسه می زند دستم ، پایم ، مژه ام ،
ناختم، قلبم،همه جای وجود از عطش
می سوزد .

تشنه ، تشنه چه ؟ نمی دانم،
برکه خشک و طاعون زده قلبم زیر
ناخنهای خورشیدی سیاه و بی نام ترک،
ترک خورده . تشنه ام ، تشنه ی یک هنر
دیگر ، یکروز دیگر، یک ماجرای دیگر .
یک غم دیگر ، یک عشق دیگر نمی دانم
تشنه چه چیز ، تنها می دانم که تشنه ام،
با خود می اندیشم که من مگر آب چشمه
سار آشوبیها نبوده‌ام که بارها سر بسنگها
کوفته راه آماده‌افته و پیش دیده ام .
حال چه پیش آمده است که عمریست در
این چاله مانده ام؟

قاسد شده ام ، بو گرفته ام، گند آب
شده ام باید راهی پیدا کرد و از این چاله
گریخت ... باید گریخت ...

کیا...نمی دانم ... جای دیگر کسی چه

می داند .

بامردابی درانتظارم تشنه است یا دریائی
اگر راهی پیدا نشد باید تبخیر شد ،
آری تبخیر . باید نجات یافت . من کرم
این لجن زار نیستم، تلاش...تلاش تلاش
نه برای رسیدن به فردا ، بلکه برای فرار
از امروز پیش از این ادامه یابن زندگی یک
نواخت از تحمل من خارج است ،با باید
پایان یابن ماجرائی که ناشی از زندگی
گذشته‌ام ودر حقیقت جز تبدیل صبحهای
بی شادی به غروبهای بی اندوه
نیست.

اعلام کنم و دست از همه چیز بازکنم
و خود را نابود کنم یا اینکه با یک گام
غیا ها را پشت سر گذاشته و خود را
در آغوش فضای دیگری که از قلم وکاغذ
و جکش وجودی نداشته باشد بیفکنم .
اما نه ، من بی اندوه و بی شادی و

کاغذ و قلم و چکش نمی توانم زندگی

کنم . من بی خورشید منور مقالات ،

روایتها ونوای دل انگیز چکش نمی توانم

چشماهم را بگشایم .

من بی سیاهی نمی توانم بخواب روم .

من بی عشق...بی عشق...به رودای

هم ...

ای چشماهی بی اشاره

ای فیلهای بی پیش

بدرد، ای فرزها

ای عمرها، ای اندیشه ها

می روم،بی هدف خواهم رفت .

دیگر دهم من دوری از مبدا است نه

رسیدن به پایان همه چیز را در آتش

فراموشی بزرگ خاکستر خواهم کرد چون

مجنون بخواظر لیلی .

بمن چه که زیر سنگهای آسبا غم یک عده

بی غم سائیده شوم ، بمن چه که کسانی

لاف هنر و هنرمندی می زنند،

که (اصغر قائل) نابغه بزرگان است

فرار از امروز

نه رسیدن بفردا

فریدون دبیری (فراز)



بمن چه که کسانی صادق هدایت ها
را محکوم به انحطاط اخلاقی می کنند
که از قاچاق فروشانند . بمن چه که از

صحت تا شب شاهد قدم رو کودکان
بریز سال پسر و دختر سر چهار راهها
باشم .

بمن چه ، بمن چه

نناید .

دیگر برابم ادامه دادن بچنان وضعی

دشوار بلکه محال شده است . آراش می

باشم .

سعی خواهم کرد ، سعی می کنم که همه

چیز بمن چه ، در اطاق بیمارستان

برویم بسته شد و دکتر از همراهم

خواست که تا یک هفته بعد بملاقام

درد و رنجشان باشم از همه بالاتر آن اینکه
من از نعمت شارلاتانی تنها نیروئی که
لازمه زندگی کردن در سرزمین های گرم
و سوزان است بی بهره بوده و دردناک تر
از همه لقب نویسنده پیش کسوت بدنبال
نامم چسبیده شده و گسبیکه چنین افتخار
را بدست آورد در این وظیفه اش اینست
که هر چه دارد به رایگان در اختیار
اطرافیاناش بگذارد .

واگر از نداری درآستانه مرگ قرار گرفت
کوچکترین چیزی به پیشانی فراخ را

برکه خشک و طاعون زده

قبلم زیر ناخنهای خورشیدی

سیاه و بی نام ترک ،

ترک خورده . تشنه ام ،

تشنه ی یک هنر دیگر ،

یکروز دیگر یک ماجرای

دیگر

و احقانه اش نیفکند چون نویسنده این

چنانی باید دارای اخلاق حسنه ویک مشقت

آداب ابلهانه دیگر باشد . من روزی با

حداقل معیشت در حدود هزار تومن

خرج دارم و تنها راه یافتنش چکش زدن

مستطالی و قلم زدن به تخم چشم و

مطالبی را تهیه کردن و به دیگران فروختن

و دیگران را بنام و نان رساندن و خود

را نابود کردن است .

غروب بود ، غروب که دکتر تصمیم

گرفت با طریقه خواب کردن دست به

معالجه من برند .

مرا به رو ی یک تختخواب ناموزون

یک تکه نسل فراموش شده بی فردا

خواباندند، همه نوع وسائل لازم از

جمله جراحی بالای سرم قرارداشت تا

اگر زیانم در اثر شوک راه تنفسم را

برید گلوبم را پاره کنند و نفسی را

که من دیگر از کشیدنش خسته شده بودم

باز هم ادامه دهند سرنگهای چند

میلی یکبار مصرف بود که یکی پس

از دیگری در زیر پوست عضله و

رگهای خالی می شد و سرانجام دکتر سر

سوزن محتوی سرنگ "نستونال" را در

ویدم فرو کرد و گفت:فران جان بشمار،

گفتم : یک و دو و سه و ...و دیگر

خواب خواب

وحالا که بیدار شده ام میخواهم بخوم

بقبولانم که همه چیز بمن چه فقط و فقط

فرار از امروز

■ امریکا فکرمی کرد با قطع رابطه تمام درها بروی ایران بسته خواهد شد و دیگر هیچ امیدی به آینده وجود ندارد اما امریکا نمی دانست که ملت ایران خدا و در سایه ی امام عصر عج و جوانان برومند که دارد و با تکنولوژی خود امریکا را نابود خواهد کرد

دیده ها
و شتیده ها

امام جمعه موقت بندرلنگه :

قطع را بته آمریکا با ایران موجب

پیشرفت کشور شد

■ امام جمعه موقت بندرلنگه در خطبه های نماز جمعه بندرلنگه به ۲۰ فروردین روز ملی فناوری هسته ای اشاره کرد و گفت: امریکا خود پیش قدم شد و با ایران اسلامی قطع رابطه کرد و همین امر موجب ترقی و پیشرفت کشورمان گردید.

وی اظهارداشت: امریکا فکر می کرد با قطع رابطه

تمام درها بروی ایران بسته خواهد شد و دیگر هیچ امیدی به آینده وجود ندارد اما امریکا نمی دانست که ملت ایران در سایه ی امام عصر (عج او جوانان برومند که دارد و با تکنولوژی خود امریکا را نابود خواهد کرد وی تصریح کرد: آتئیاتی که اعلام می کنند ریشه ملت ایران باید خشکانده شود ریشه خودشان خشک خواهد شد و این حرکت امریکا راه ترقی ایران اسلامی را هموار ساخت .

حجت الاسلام فقیهی امام جمعه موقت بندرلنگه در ادامه به هشتم ربیع الثانی سالروز ولادت امام حسن عسکری در سال ۲۳۲ هجری قمری اشاره و به تشریح زندگانی آن حضرت پرداخت وی در این رابطه اضافه کرد: دستگاه حکومتی در زمان امام حسن عسکری(ع) شیوه هایی به کار برد تا مردم را از آن امام معصوم جدا کند اما دست از یاری امام نکشیدند و امام حسن عسکری در مقابل دشمنان سرفروزیارود و از مبارزه خود جهت اقباشی حکومت جبار وقت دست برداشت.

خطیب نماز جمعه درادامه به دهم ربیع الثانی سالروز وفات حضرت معصومه (س) در سال ۲۰۱ هجری قمری اشاره نمود و تصریح کرد یکی از شواهد عظمت استثنایی حضرت معصومه (س) زیارت نامه ای است که از ناحیه معصوم درشان او شرف صدور یافته است بعد از حضرت فاطمه زهرا (ع) او تنها بانویی است که زیارت ماثوره دارد.

وی گفت: جایگاه علمی و معنوی کریمه اهل بیت (س) در بیان فرزندان امام موسی کاظم (ع) بعد از حضرت رضا(ع) حضرت معصومه (س) از نظر علمی و اخلاقی و الاقلامتری آنان بود این حقیقت از اسای و القاب و تعریفا و توصیفاتیکه اشمه اظهار ازوی نموده اند ، هیداست. امام جمعه موقت در پایان خطبه نماز جمعه به شهادت مظلومانه آیت اله سید محمد باقر صدر و خواهر ایشان تب الهدی توسط رژیم کافر بعث عراق در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی اشاره کرد و گفت: او و خواهرش از جایگاه علمی و از علمای ارشد دوران خود بودند و یاد آنها را گرامی داشت .

بیستگ
و خلیج فارس

ساختمان امامزاده شاهزاده سید محمد سید منصور در چاه بنادر دارای بقعه و بارگاه مرتبی است که بین دو چاه آب واقع است و چون در اول راه ورودی ده واقع شده زوار و واردین در همان ابتدای ورود زیارت می کنند و بعد بداخل ده می روند کمی جلوتر و داخل ده مهمانخانه امامزاده دیده می شود که تمام زوار و واردین هر چند روزی که در آستانه توقف کنند در آنجا چائنی اطعام و پذیرایی می شوند .از تمام بنادر جنوب و سواحل شیخ نشین و همچنین از لارستان همه ساله عده کثیری در فصول مختلف سال به زیارت آستانه شاهزاده می شتابند و ثنورات و هدایایی تقدیم می کنند .متولیان امامزاده در سال های اخیر بشرح زیر بوده اند:
۱- مرحوم میر هاشم بن سید محمد سید سلیمان که نسبتش به سید کامل پیر بن سید قتال می رسد متوفی شوال ۱۳۱۷ قمری۲ - سید محمد علی بن سید هاشم مذکور متوفی ۱۳۲۹ قمری۳ - سید احمد بن سید هاشم مذکور متوفی ۱۳۳۷ قمری۴ - سید عبدالله بن سید هاشم مذکور در سن هشتاد سالگی متوفی ۱۳۷۹ قمری۵ - در حال حاضر تولیت آستانه مذکور با سید محمدعلی توانا می باشد که مردی متواضع و نیکو اخلاق بوده و بخوبی امورات تولیت را اداره می نماید .

از سادات مشهور گوده آقایان کنچی هستند . پدرشان مولانا سید یوسف بن سید محمد بن سعید بن ابراهیم بن آقا یوسف بزرگ بوده که اخیرا فوت کرده است و آرامگاه وی در جنب مسجد کوچکی که در قره کنچی برای عبادت خویش احداث کرده بود قرار دارد آقای سید یوسف مرحوم هم در حال حیات وهم بعد از وفات خیلی مورد توجه مردم بوده وقائم اللیل ومعتکف مسجد بوده وبا اینکه ابتدا در ده تل بوده مانند مشایخ مدنی برای اینکه در محل دور از تردد به عبادت وریاضت بپردازد بقریه کنچی رفته است .کنچی برونجی نامی دهی است که در ارتفاعات منتهای الیه جنوب شرقی گوده واقع می باشد دیگر ازسادات مشهور که با انتساب جد خودشان قتالی ها نامیده می شوند در قره کوخر بر سر راه بسنگ - لنگه وقریه جناح و خود شهر بسنگ سکونت دارند .بزرگ آنان سید احمد قتالی درشهر بسنگ سید قاضل وپرهیزکاری است درقره کوخرزند سید محمد قتالی پیرمرد بلند قدوخوش اخلاقی است ودر هرساعتی از روز وشب تمام فصول از مسافرین و واردین به رایگان با کمال میل پذیرائی می کند .با آنکه مردم سادات احترام زیادی قائلند وآنها هم نفوذ کلام دارند ولی دیده نمی شود که از موقعیت خود برای امورشخصی یاسیاسی استفاده کنند .
وبدینجا شرح مهاجرت وزندگی سومین تیره از مهاجرین عرب از بغداد که به نام سادات قتالی در جهانتگیره بسنگ وگوده متوطن شده ودر ساختمان اجتماعی آن نقش وجودی بازی می کنند روشن وخاتمه داده می شود .

■ نویسنده:بهندس جمیل موحد

تاکسیرانان

عزیز

نصب علائم غیرمتعارف در بدنه و سقف تاکسی

و همچنین بکارگیری تبهیزات اضافی در تاکسی ممنوع می باشد

○ روابط عمومی سازمان مدیریت و نظارت بر امور تاکسیرانی بندرعباس

